

من کوچک بودم را حفظ میکنم  
در صورتی که شایم ایقدر از بزرگیان سوا استفاده نکنید.  
گل رحمان فراز

سیر مقاله!

## کمونیسست های صادق اما بی دین مجاهدین مفسد اما دین دار

کمونیسسم (Communism): یک ایدئولوژی است که می‌کوشد بر اساس مالکیت مشترکِ روش‌ها و ابزارهای تولید و در غیاب مالکیت خصوصی یک سازمان اجتماعی ضد دولت‌گرایی فاقد طبقه‌های اجتماعی را ترسیم کند که پیروان این ایدئولوژی را کمونیسست می‌خوانند و یا بقول معروف کمونیسست‌ها انسان‌های اند که سرمایه و مالکیت را برای هم نوعان خود مشترک و بطور مساوی می‌خواهند. امروزه و حتی در همان وقت، مردم افغانستان پیروان داخلی (افغانستان) این آیین را با کلمه کمونیسست به تعبیر کافر و بی‌دین تلقی می‌کردند. نفوذ این آیین فکری در افغانستان از زمان استعمار قشون سرخ منشا گرفته است که افراد تحصیل کرده و سخن فهم افغانستان به بهانه‌های تحصیل و یا هم ماموریت قبل از اشغال کرسی ریاست جمهوری برای آموزش وفاداری و خلوص نیت به روسیه و یا مناطق پیرو مکتب خانه‌های کارل مارکس، لنین و استالین برده می‌شدند و بعد از شست و شویی فکری، ایشان را برای رسیدن به قدرت و یا دفع قدرت متقابل کمک می‌نمودند. (از جمله همان رؤسای جمهور میتوان از ببرک کارمل یاد کرد که حتی خون عساکر کشته شده روسی و افغانی خلقی و پرچمی را مقدس و قابل سجده خوانده بود)، در اوایل، نظام کمونیسستی در افغانستان طرفداران انگشت شمار داشت و یا هم هیچ نداشت (حتی افغان‌ها پسران شان را بخاطر از دست دادن دین شان از مکتب رفتن مانع می‌شدند برای اینکه قیودات وضع شده در مکتب نشان دهنده آزادی در پوشش و حذف سنت‌های مؤکد بود)، اما آهسته آهسته این روند به کلی تغییر کرد و آن عده جوانان که به اجبار برای عسکری توسط دولت آن زمان به آموزش و تعلیم برده میشدند، بعد از آموزش‌های حرفوی داخلی و خارجی حاضر به این بودند که از هر چیز دوری نمایند اما به اخلاص و عهد شان در مقابل وطن، وطن دوستی و حکومت شان، جان خویش را فدا کرده و صادقانه در راهش خدمت کنند. شنیدم که عسکر آن زمان با شکم گرسنه و با پول اندک که توسط دولت آن زمان برایشان پرداخت می‌شد، حاضر بود تا با دریافت یک جوهره کفش نظامی، یک جوهره یونیفورم نظامی، یک کلاشینکوف و چند شاجور مرمی توام با پرتله گردنش در صفوف نیروهای ملی و امنیتی آن زمان تا آخرین قطره خونش صادقانه ایستادگی کند. و یا امثال آن را میتوان به کارکرد های دشوار افراد استخباراتی امنیتی ملی و جنائی آن زمان مثال زد، بقول یک شخص که در آن زمان به حیث عضو استخبارات کار می‌کرده است چنین می‌گوید که در آن زمان حتی در سرد ترین اوقات زمستان با برمه دست داشته‌شان بر سوی خانه‌ها روان بودند تا دیوار خانه مشکوک را بکنند و ببینند که گپ از چه قرار است. هیچکس سندی در دست ندارد که کمونیسست‌های افغانی جای را غصب کرده باشند و یا زندگی پارسی برایشان در افغانستان ساخته باشند. اکثریت قریب به اتفاق بقایای کمونستان افغانستان را در حال حاضر، مامورین و یا مدیران فوق العاده مجرب و کار فهم وزارت خانه‌ها و ادارات دیگر دولتی تشکیل میدهد که زندگی بخور و نمیر را دارا می‌باشند و معاش شان کفایت کننده تقریبی ضروریات و نیازهای زندگی شان است. بنظم نکته ضعف که کمونیسست‌های افغانستانی به آن مواجه بوده اند این بوده است که در رابطه به مسائل دینی آنچه را که به دل داشته بودند، به زبان خویش نیز حین همان راه بردن و بر اذهان عامه و یا پذیرش عمل کرد شان را در اذهان عامه جستجو نکرده بودند. (مثلاً، فعلاً درک کرده اند که هرگاه بجای گفتن کلمه حورا، به گفتن کلمه الله می‌پرداختند، به یقین به نفع و فلاح خودشان بود) اما یکبارگی دنبال نقد و استهزای دین را گرفتند که این روش شان دال بر این شد تا مردم دیندار و مذهبی افغانستان از قافله کمونستان خود را دور ساخته و علیه شان شورش‌ها را از نهضت جوانان مسلمان (در اوایل بین چند دانشجو روحانی دانشگاه که بعد انکشاف یافت) شروع نمایند. این است که بعضی‌ها وقتیکه سخن از کمونیسست بوجود می‌آید، ایشان را بدون مکث، بی‌دین خطاب می‌کنند و استدلال شان به استهزا گرفتن اوامر الهی توسط کمونستان دوره آن وقت است اما صداقت شان را کتمان نکرده و آنرا داشته مثبت کمونستان میدانند که جلو تر از نداشته‌شان آورده اند.

جهاد یکی از مقدس ترین کلمات است که در دین مبین اسلام برایش جایگاه والایی اختصاص داده شده است و بر اجرا کنندگان این امر کلمه (مجاهد) استفاده میگردد. افغانستان شورویست که بلندترین آمار شهادت را بخاطر دفاع از دین، ناموس، عزت، اموال و وطن در مقابله و رو در رویی با اشغال گران این کشور داشته است. که بهترین نمونه اش جنگ، مقاومت و شکست موسس آیین و ایدئولوژی کمونیسستی و یا مکتب خانه لنین در این سرزمین است که خوشبختانه و با کمال میل و رضایت کامل، مردم این سرزمین از وحدت افغان‌های دلیر و خصوصاً از اتحاد و وحدت بین مجاهدین تقدیر و سپاسگزاری می‌نمایند. برای ما نسل جوان هم نیز یک افتخار تاریخی است و به اندیشه جهاد و مقاومت مجاهدین این سرزمین در هر سوی دنیا که برویم میتوانیم مفتخرانه منجبت شعار افتخاری مان استفاده کنیم.

اما، با شکست و فرو پاشی کلی قطعات محدود اتحادیه جمهائیر شوروی دیدیم که مجاهدین ما دست به اشغال و غصب زمین‌های فرمایشی برای ساختن منزل‌های نمایشی، کسب قدرت سیاسی، کسب برتری قومی، کسب ثروت، کسب نیروی دولتی، مجبور سازی فامیل‌های غریب برای ازدواج با دختر‌های زیبا روی شان، عامل اصلی ویرانگی کابل و ولایات دیگر، سازمان دهی قتل‌های هم سنگران دوره جهاد شان با روس‌ها به روش رقابتی، بچه بازی‌ها، اختلافات ذات البینی، ایجاد گروه‌های مسلح غیر مسئول، راه گیری‌ها، زورگویی، تجزیه طلبی افغانستان، ایجاد موانع به مناطق، مسدود سرک‌های، جمع آوری اجباری غنایم در بعضی حالات!... دست به هرگونه کارهای خلاف زدند که انسان به خود حتی این جرئت را داده نمی‌تواند که بگوید اینکه جهاد چه بود و این چه است. این سوال را همیشه باید از خود پرسید که آیا هنگامیکه مجاهدین محترم علیه اشغال نامردانه روسیه جهاد می‌کردند، کی به پاکستان کمک میکرد؟ و چرا پاکستان به اكمال مجاهدین می‌پرداخت؟ به حتم به این نظر میرسیم که امریکاهی پشت پرده وجود داشت و میخواست قدرت تقریباً شکست ناپذیر روسیه (ابر قدرت سابق) را با کشتار‌ها و منطقه ویرانی‌های افغانستانی‌ها از زانو در آورد و در مقابل پول و کمک مخفیانه خویش به نحوی به آیتده افغانستان نشان دهد که آمدن شان در این سرزمین همچو نیروهای قشون سرخ بخاطر اشغال نه بلکه به خاطر ثبات سازی، تامین امنیت، ارتقای ظرفیت‌های تعلیم، آموزش نظامی...و غیره است که اکثریت پروژه‌هایشان حیاتی به حساب نمی‌آید. (هرگاه بخوایم مکروریان‌های ساخته شده دوره اشغال روسیه را به پروژه‌های تطبیق شده چهل و دو کشور دوست مقایسه کنیم، اصلاً قابل مقایسه نیست) و با مقایسه در میابیم که از پروژه‌های روس‌ها می‌شده تا منافع دراز مدت را ببریم تا از امریکایی‌ها. یک عده افراد کاربرد کلمه مفسد را برای این به عده مجاهدین نسبت میدهند که فاعل افعال فوق‌الذکر بوده اند.

فلهذا، بعد از خوانش و درک کلیه موارد فوق، انتخاب بر دست شما است که بنا به دلایل فوق‌آیا میپذیرید که گفته عده کسان اینکه میگویند "کمونیسست‌ها صادق اما بی‌دین و مجاهدین مفسد اما دین دار" درست است یا خیر؟ انتخاب در دست خودتان است و دلایل به سادگی بیان گردیده است.

فراز

## قایم و قومانده دایم!



1393/09/09، دو گروه به کمیت 41 نفر، یک گروه تحت فرماندهی غلام ولی به تعداد 24 نفر و گروه دومی به تعداد 17 نفر تحت فرماندهی محمد عظیم از منطقه شورابه مرغاب مربوط مرکز ولایت به اثر تلاش‌های خستگی ناپذیر قوماندانی امنیه ولایت غور به روند صلح پیوستند.

در نخست سرپرست مقام ولایت، قوماندان امنیه، ریس کمیته صلح ولایتی و ریس شورای ولایتی از سخنرانان این محفل بودند که ضمن خوش آمدید وعده سپردند که قریه شورابه مرغاب ایجاب ولسوالی را می‌نماید بناً جهت ایجاد واحد اداری از هیچ نوع تلاش دریغ نخواهند کرد. جنرال احمد فهیم قایم می‌گوید که ملت اگر آرام باشد و هرگاه بخاطر آرامی زندگی مردم، خون‌شان هم ریخته شود، ارمان نخواهند داشت. در اخیر مولوی احمد شاه به نماینده گی از برادران پیوست شده به پروسه صلح تعهد سپرد که از کلیه برنامه‌های دولت حمایت کرده و به تصمیم شان مصمم اند.

گفتنی است که فرمانده احمد فهیم قایم نه تنها در عرصه ادغام مجدد و فراهم آوری زندگی مسالمت آمیز برای 41 تن از مخالفین مسلح دولت کوشیده است بلکه فعالیت‌های ذیل را نیز انجام داده است؛ وی کوشیده است تا نظم و دیسپلین را در صفوف پولیس ملی زنده بسازد و به کلیه جز و تام‌های قوماندانی امنیه غور (که قبلاً بعضی‌هایشان در تعمیر‌های کرایبی بسر میبردند) تعمیر اعمار نموده و مکان‌های دیگر را که مربوط دفتر قوماندانی امنیه غور بود بازسازی و نوسازی کند (مثال زنده اش، ساخت و ساز تعمیر کلپ قوماندانی امنیه غور است. به کوشش وی برای کلیه منسوبین پولیس قوانین و مقررات وظیفوی شرح گردیده است و با انگیزه دهی خدمتکار بودن شان به مردم عوام تلاش‌های خسته گی ناپذیر انجام یافته است که بعد از تطبیق موارد مذکور دیده شده است که پولیس در عملکرد خود به فرامین حاصله اش مصمم است. علاوه بر اصلاحات فوق، قایم به موضوع تامین امنیت سرتاسری ولایت غور تلاش دارد و نمونه اش آرام سازی ساحه مرغاب و ریشه کن سازی طالبان آن دیار میباشد، جنرال قایم با استفاده از دید و بازدید متنفذین قوم مرغاب در رابطه به تامین امنیت آن محل توانست تا لانه‌های برجسته طالبان را از بین ببرد، که با شکست طالبان ساحه فوق، قوت‌های طالبان خود بخود کاهش یافت و موجب بر آن شد که دهشت افگنان خود را از ساحات دور نمایند. فعلاً نیروهای اردو، پولیس و امنیت ملی دوشا دوش یک دیگر بخاطر تامین امنیت غور تلاش می‌نمایند. به امید تلاش‌های بیشر شان دست به دعا هستیم.

شهیدالله ابراهیمی



# ایجاد پالیسی ملی برای جوانان افغانستان

حکومت افغانستان برای نخستین بار برنامه را برای ایجاد یک پالیسی ملی جوانان آغاز کرده است که به اساس آن را آمار واقعی جوانان در شاخص های مختلف جستجو و درج این دیتابیس میشود. در کنار این دیتابیس پالیسی ملی جوانان در حال نهایی شدن است و با تکمیل آنها سهولت های زیادی برای حکومت جدید، جوانان و سکونر خصوصی بوجود خواهد آمد. ایجاد دیتابیس ملی جوانان برنامه که با تکمیل شدن آن میتوان برخی از چالش های جوانان را در کشور پایان بخشید. برای نسل های کنونی و آینده دقیق برنامه ریزی کرد. ایجاد دیتابیس ملی جوانان برای اولین بار به ابتکار معینیت جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ در سال 1392 انجام یافت. هدف از ایجاد دیتابیس ملی جوانان این است که یک رقم واقعی جوانان با کنکورهای مختلف ساخته شود که چقدر جوانان بیکار و چقدر آماده است تا بازار کار آنها را جذب کند و چقدر جوانان تحصیل کرده اند و در کدام رشته ها و چقدر نیاز به تحصیل دارند. مصطفی سعیدی ریس پالیسی و برنامه های معینیت جوانان وزارت اطلاعات فرهنگ این ابتکار را برای جوانان حیاتی دانسته، میگوید: با تکمیل این برنامه سهولت های بیشتری برای جوانان حکومت افغانستان و سکونر خصوصی فراهم خواهد شد. زیرا حکومت میتواند به آسانی به مشکلات جوانان رسیده گی و برای حل آینده برنامه ریزی دقیق نماید و آقای سعیدی میافزاید: بدون احصایه دقیق از جوانان که در شهر و روستا زنده گی میکنند، بدون تفکیک جوانان بیکار و وظیفه دار، جوانان تحصیل کرده و بی تحصیل مشکل خواهد بود. که برنامه ریزی نمایم و نخواهیم توانست تا به مشکل بیکاری نقطه پایان گذاشت. این تصمیم در حالی گرفته میشود که تا کنون آمار دقیق از جوانان در افغانستان وجود ندارد که به چه میزان بیکار است. و چقدر جوانان در ادارات دولتی و سکونر خصوصی مصروف کار هستند. بگفته بعضی از جوانان تحمل شدن این دیتا بس نه تنها مشکلات جوانان را حل خواهد کرد بلکه حکومت و سکونر خصوصی را کمک می نماید تا با داشتن آمار دقیق جوانان تحصیل کرده و مفید بودن رشته های تحصیلی شان در زمینه کار را برای آنها فراهم سازند.

احمد اکبری

## اینجا حرفی باید زد....!

### آخرین نامه یک سرباز افغان

- تا بوم تم کنید و تفنگم را بر روی سینه ام

گذاشته بسوی خانه ام ببرید!

مادر: دیگر دم در انتظار من نباش.

پدر: دیگر نگران آینده من نباش، چون...

پسرت تا آخرین قطره خون جنگید و از وطن دفاع کرد.

خواهرم: به قول ام عمل نتوانستم ببخش چون وطن برایم مهمتر از رسیدن به عروسی تو بود.

برادرم: درست درس بخوان، بعد از این کلید های موترسایکل ام برای همیشه از آن تو خواهد بود.

عشقم: گریه نکن، چون من یک «سرباز» استم، تولد شدم برای مردن.

عبدالله جهادوال

عبدالعظیم رؤفی

## زمانی استاد هم شاگرد بود!!!

معلمی مسلک با ارزش و گرانبه ای است که در نزد اهل خیره از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است و کلیه انکشاف و تحولات فکری، معنوی و قابل ملاحظه از تربیه سازی معلمان گرانقدر اندام دار میشوند و میتوان گفت اینکه معلم خود شمعی است که خود سوزد و دیگران را سازد. شاید در جامعه افغانستان جایگاه ویژه را برای قشر معلم و مربی قایل نشده باشند و علت بر این است که سلاطه از معلمان واقعی، مجرب، توانا و تحصیل کرده با ترکیب معلمان نیمچه ملا های پاکستانی، قوماندان های محلی، افراد زورگو...و غیره ایجاد شده است که موجب نزول وزن و توانایی آموزگاران شده است.

استادان مجرب و سابقه کار همیشه میکوشند تا با شاگردان منحیث پدر معنوی، رهنمای دوستانه و مشکل گشا رفتار نمایند و همیشه به این فکر اند که هرگاه تمرکز درسی خویش را به قوه ثقل ارزیابی شاگردان بیاورند نیاز به تشویب در خوب بودن و یا مثبت بودن نتیجه امتحان ندارند و شاگردان همه دروس را قبل از قبل به یاد می سپارند. اما، استادان نیز پیدا میشود که عینا خواص رفیق نه بلکه رقیب شاگردان را دارند و هیچگاه نمیخواهند شاگردان شان از ایشان جویای مطلب شوند. و روز معلم را در روز اخذ امتحان شان تجلیل میکنند که به روش های استندرد تدریس نا جایز و نا پسند است برای اینکه موفقیت شاگردان، موفقیت درسی استادان بشمار میرود. هرگاه استاد به این افتخار کند که وی همچو سوالات را طرح کرده بود که هیچ شاگرد قادر به حل اش نبود، این در واقعیت یکی از نواقص تدریسی است.

وی باید در ارزیابی های روزمره خویش پابند باشد و شاگردان را از طریق ارزیابی های روزمره شناسایی و بعد بر روی انکشاف ذهنی آنان تمرکز نماید. بهترین رهنمود برای استادان میتواند تجارب شاگردی شان باشد. فقط کافیست بیاد آورند اینکه آنها هم روزی شاگرد بودند و از استادان چه نوع توقع پیشکش درس را داشتند و بعد میتوانند همان گذشته نگری خودشان را به حال و آینده نگری های رفتاری با شاگردان شان به تمرین بگیرند.

شرف فرزام

## پیامد سهم دهی طالبان در حکومت

### سیاسی

تتش ها، بازی ها، ائتلاف ها...! بخاطر تصاحب یکه تاز قدرت در حاکمیت سیاسی کشور از هر طرف ادامه دارند که به هیچ صورت به نفع تامین امنیت، استقرار صلح پایدار و همبستگی ملی نخواهند بود. تا حال این سیاست های نا کار آمد زمامداران داخلی، خارجی و طالبان مردم را از آینده مایوس و از دولت فاصله داده و زمینه های حاکمیت قانون و صلح دائمی را هرچه بیشتر تضعیف نموده اند. هرگاه طالبان قانون اساسی را قبول نمایند، آیا همه مسایل از این ناحیه حل خواهند شد؟ نگاه کنیم که خیلی کسانی که حال در دولت هستند و فعلا قانون اساسی کشور، اعلامیه چمخانی حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر قوانین پذیرفته شده بین المللی را قبول کردند. ولی با آتم، خودشان عامل فساد اداری و نقض حقوق بشر در کشور گردیده اند. اگر بقیه طالبان و آقای حکمتیار هم با پذیرش قانون اساسی کشور شامل حاکمیت سیاسی کشور گردند، باز هم آنان بدتر از سایرین به نقض کرامت انسان، قانون اساسی و حقوق بشر دست خواهند زد و یا اینکه طالبان با سایر ناقضین حقوق شرعی، حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان همکار خواهند شد.

پس مذاکره، آشتی با طالبان، همکاری شان و آوردن آنان در حاکمیت سیاسی کشور هرگز به نفع مردم و سرزمین افغانستان نخواهند بود. با این معنی که کرک کرسنه را نگهبان گوسفند قرار داد تا از جان گوسفند مواظبت کند. به هر صورت، این شواهد به اثبات میرساند که گام به گام طالبان در حاکمیت سیاسی افغانستان از سوی هواداران داخلی و خارجی شان پیش از هر زمان دیگر تثبیت گردیده که باعث یک فاجعه بزرگ ملی در کشور خواهند شد.

راه حل این قضیه این خواهد بود که همه جناح های داخلی و خارجی منافع یک طرفه غیر حقوقی خود ما را کنار بگذارند و به اراده مردم و منافع عامه اتباع افغانستان به طور صادقانه و عملی تسلیم گردند و کار را به اهل کار بسپارند تا اینکه مردم، دولت مستقل ملی خویش را تشکیل دهند و خود مردم گره گشای اساسی حل بحران ملی در افغانستان گردند نه دیگران.

امیر داد پارسا

## جلسه شبکه عملکرد از محافظت اطفال تدویر یافت!



(05/09/1393) جلسه نوبتی و ماهوار شبکه عملکرد محافظت اطفال (CPAN) در مقر ریاست کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین غور به اشتراک اعضای شبکه تحت ریاست عثمانی رئیس آن اداره تدویر یافته و در مورد حمایت از حقوق اطفال، تعقیب قضایای اطفال متخلف از قانون و سایر چالش ها و مشکلات حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، صحتی و آموزشی اطفال بحث و تصمیم های لازمه اتخاذ گردید.

محمد عظیمی

## معلمین خواهان توزیع شهرک هستند!!!



(۹/۱۳۹۳) عده از معلمین غور با جنرال احمد فهیم قایم قوماندان امنیه غور دیدن نمودند، و خواهان همکاری وی در قسمت توزیع شهرک معلمین شدند.

معلمین میگویند که بر اساس حکم ریس جمهور کشور آمده است؛ شهرک که بخاطر معلمین در نظر گرفته شده باید به زودترین وقت توزیع گردد که متاسفانه تا حالا هیچ گونه اقدامی از طرف اداره محلی غور در این راستا صورت نگرفته است و آنها چشم امید بخاطر توزیع شهرک معلمین بسته اند. جنرال قایم نیز حمایت خود را از معلمین اعلان نمود و وعده سپرد که از هیچ نوع همکاری بخاطر توزیع

عبدالرحیم یعقوبی

شهرک معلمین، دریغ نخواهد ورزید.



## بزرگان علم و دانش چه میگویند؟

- انسان های خوب با خانواده های شان رفتار نیک برقرار می نمایند. {حضرت محمد}
- جهنم خردمندان بهتر از بهشت احمقان است. (افلاطون)
- پیروزی از آن کسانی است که بیشتر از دیگران پشت کار دارند. {کنفوسیوس}
- اولین شرط توفیق، شهامت و بی باکی است. {امرسون}
- کسانی که بدون شایستگی به مقام بلند رسیده اند بزرگترین عامل بدبختی جامعه و عدم رشد همان ملت است. {امام علی}
- دنیا پر است از آدم های که همدیگر را گم کرده اند. {عباس معروفی}
- پرنده گانی که در قفس به دنیا آمده اند فکر میکنند که پرواز بیماری است {نیچه}
- هیچوقت نخواستیم دشمنانم را بشناسم، چون میدانستم خیلی از دوستانم را از دست میدهم. {ایستود}

محمد بلال یوسفی

## لاف از وحدت، عمل به عادت!

در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بعد از برنده شدن محمد اشرف غنی به صفت رئیس جمهور افغانستان، تیم رقیبش خواستار نصف قدرت سیاسی و مقام ریاست اجراییه شد و گفتند که هرگاه در برابر خواست های شان بی اعتنایی صورت گیرد، آنها به ایجاد جنبش های ضد تقلب می پردازند و دوباره به نظر رای دهندگان خود رجوع می نمایند. که در نتیجه آن دولت وحدت ملی و یا دولت تقسیم نصفی قدرت ایجاد گردید.

کلمه ی "وحدت" بمعنی یک پارچگی و اتحاد آمده است و وقتی که از حکومت وحدت ملی حرف زده میشود در حقیقت بدان معنی است که همچو حکومت ها باید با سهم کلیه افراد و اتباع کشور ایجاد گردد و هیچکس نباید تمایز قومی، سمتی و گروهی را در همچو حکومت ها ایجاد نماید. که حتی شعار های همیشگی هر دو جناب (ع و غ) هم همیشه همان بوده است که حکومت وحدت ملی یعنی حکومت همه گرا و حکومت فرا قومی. اما مشکلات و کشمکش های فکری و نظری بین اعضای هر دو طرف نشان دهنده این است که گویا تیم ها گفته های سرداران خویش را زیر پا کرده و آن گفته ها را زیاد تر از لاف و یا دروغ شاخدار دیگر چیزی نمیدانند. اول باید خاطر نشان ساخت که آنها به نفاق عادت کردند و چطور میتوانند به این زودی ها ترک عمل نمایند (ترک عادت موجب مرض است)، برای آنها باید حد اقل پنج سال دوره کاری این حکومت وقت داده شود تا همدیگر پذیر شوند و تنها و تنها به خیر و آبادی این وطن تلاش ورزند. امروزه جنرالان بلند پایه ی ما بخاطر عدم جورآمد عالی جنابان و سردرگمی های همه کارمندان دولت از پوست های خود استعفا میدهند و حق هم دارند. (هیچ یک از سرپرستان ادارات نمی داند که تا برای چقدر مدت به پوست کنونی اش باقی می ماند، همه و همه چشم در راه تعیین اعضای کابینه اند). استعفا ی افراد بلند پایه و کاردان دولت به ضرر دولت تمام خواهد شد و برای دهشت افگنان و مخالفین دولت موجب ازدیاد انگیزه فکری و جنگی شان خواهد شد.

اعجاز الحق "نوری"

### اندیشه عصر نوین

صاحب امتیاز:	محبوب اکبری
مدیر مسئول:	گل رحمان فراز
موبایل:	0795371635/0779435157
آدرس انترنتی:	GulRahman_Faraz@hotmail.com
سر دبیر:	اعجاز الحق نوری
موبایل:	0779208181/0799208181
آدرس انترنتی:	ejazulhaq_noori@yahoo.com
معاون سر دبیر:	ذبیح الله انوری
ویراستاران:	جواد جاوید، بلال یوسفی، نظیر احمدی
گروه نویسندگان:	رمضان وافی، شریف فرزام، شهید الله ابراهیمی
طراح:	گل رحمان فراز
گزارشگران:	عبدالله جهادوال، روقیه جویا، معصومه احسانی
عکاس:	عبدالعظیم رثوفی
تیراژ:	1000 نسخه

برای اخذ اطلاعات بیشتر از این وبلاک دیدن کنید؛  
Asrenaween@blogfa.com

## پیام قوماندانان کندک اردو و نظم عامه برای مردم غور!



دگروال محمد شعیب بخشی - قوماندان کندک اول، لواه اول، قل اردوی 207 ظفر و فرمانده محمود اندرابی - قوماندان نظم و امن عامه غور از جمله نظامیان موفق غور بشمار میروند و میگویند که با امکانات فعلی مان همیشه در تلاش تامین امنیت و برابر سازی شرایط آرام برای زندگی شهروندان این دیار می باشیم، شاید نتوانسته باشیم تا رضایت کامل مردم را بدست آوریم اما در اجرای مسئولیت های خویش تعهد داریم و صادق می باشیم و از مردم شریف ولایت غور خواهشمندیم تا این موضوع را درک کرده اینکه کدام اشخاص در مقابل شان میجنگند؟ و تحت کدام عنوان و به کدام مجوز هم وطنان را در مساجد، سرک، هوتل، بنام مباح دم می کشند و سر زمین شان را دارالحرب می نامند. و برای شان توصیه میداریم تا از منسوبین قوای مسلح که فرزندان شان هستند و به خاطر حفظ جان، مال، دین و ناموس شان می رزمند و شهید می شوند، حمایت کنند.

میر احمد ابراهیمی

## روز جهانی محو خشونت علیه زنان در ولایت غور تجلیل شد!!!



5/9/1393 طی یک محفل به حضور داشت سیدانور رحمتی سرپرست ولایت غور، فضل الحق احسان ریس شورای ولایتی، ریس حقوق بشر، ریس امور زنان، نهادهای جامعه مدنی و شماری از کارمندان ادارات دولتی و خانم ها از 25 نومبر روز جهانی خشونت علیه زن در سالون کنفرانسهای ولایت تجلیل بعمل آمد. سیدانور رحمتی سرپرست ولایت غور طی صحبت اش گفت: دولت برنامه ها و پلان های را بخاطر کاهش و منع خشونت روی دست دارد، که با تطبیق قوانین و فرامین زمینه مساعد ساختن زنان به مشارکت و سهم گیری سیاسی زنان گام های اساسی را برداشته است. وی اضافه نمود که خشونت علیه زنان در ولایت غور نسبت به دیگر ولایات کمتر است و از علماء، بزرگان و نهادهای حقوقی خواست تا با زنان با عزت و مهربانی برخورد نمایند تا کرامت اسلامی و انسانی زنان زیرپا نشود. معصومه انوری ریس امور زنان میگوید که در طی سال گذشته شاهد 71 قضیه خشونت علیه زنان در غور بوده اند، اما در سال جاری نظر به سال گذشته این اعمار خشونت بلند رفته است. وی می افزاید که برای فعلاً 98 خانم در خانه امن به سر می برند و علل عمده خشونت علیه زنان نبود امنیت، عدم دسترسی به تطبیق قانون و آگاهی دهی به زنان است.

روقیه جویا

## هر چه کنی بخود کنی گر همه نیک و بد کنی!

مقالات از این طریق پذیرفته میشود:

Asrenaween.monthly@gmail.com

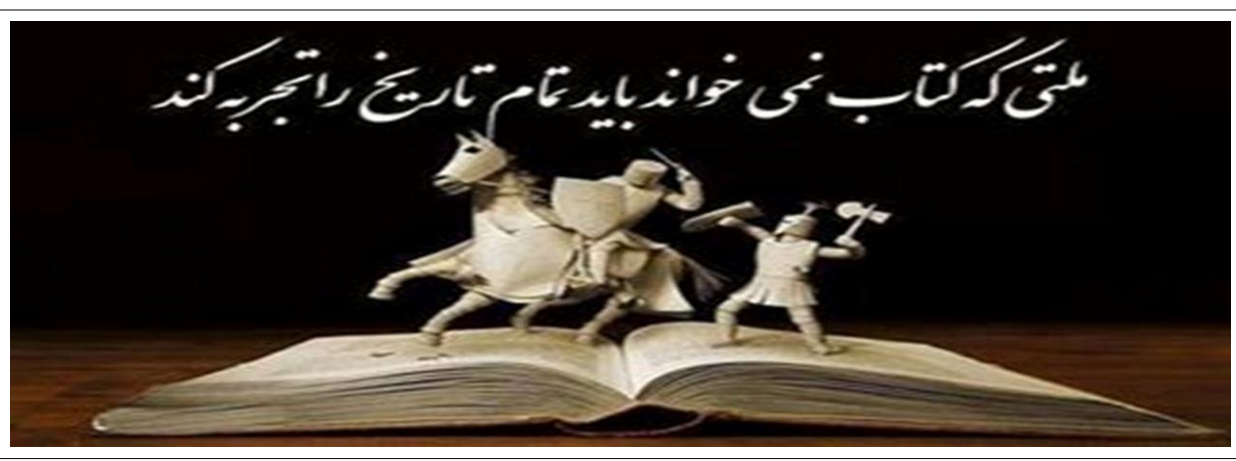
✓ مجاز از سر مقاله، مطالب گرفته شده نظریه خود نویسندگان آنها میباشد و ماهنامه اندیشه عصر نوین در قبال کدام مسئولیت ندارد.

✓ ماهنامه اندیشه عصر نوین، منتظر مطالب علمی و فرهنگی قلم به داستان میباشد.

✓ مطالب گرفته شده باز پس نمیگردد.

✓ مطالب گرفته شده باز پس نمیگردد.





## از دولت وحدت ملی چه می‌خواهیم؟ دین اسلام دین دهشت نیست!!

چرا همه قدرت‌ها دم از اعتقاد و پابندی به دموکراسی و دولت مردمی می‌زنند اما زمانیکه اسلام‌گرایان با آرای مستقیم مردم زمامت امور را بدست می‌گیرند، دولت اسلامی را دهشت افکن خوانده و تحریم می‌کنند و در تلاش سقوط آن می‌شوند؟ چرا زمانیکه کسی به یهودیان و یا هولوکاست توهین کند او را به محاکمه می‌کشند اما زمانیکه کسی به اسلام توهین کند و به پیامبر اسلام «ص» بی حرمتی کند حق طبیعی اوست که آزادی بیان تضمین اش می‌کند؟ چرا یک یهودی کاملاً حق دارد برای پابند بودن به عقیده دینی اش ریش خود را بلند کند اما زمانیکه یک مسلمان بخاطر ایمانش ریش بگذارد، یک تروریست و تندرو شناخته می‌شود؟ زمانیکه یک زن غربی برای مواظبت و نگهداری خانه و فرزندانش در خانه می‌ماند، بخاطر این خود گذری و در مقابل مسؤلیت خانه داری اش از او تقدیر می‌شود اما زمانیکه زن مسلمان مسؤلیت خانه داری را بدوش می‌گیرد (منادیان حقوق زن) داد می‌زنند: «باید به او آزادی داده شود تا از خانه بیرون شود».

چرا یک دختر غربی در دانشگاه حق دارد طبق میل و سلیقه اش لباس بپوشد و در انتخاب آن کاملاً آزاد است اما وقتیکه دختر مسلمان می‌خواهد با حجاب اسلامی وارد دانشگاه شود او را با خشونت از دانشگاه بیرون می‌کنند؟ چرا یک طفل غربی حق دارد تا هدف و رشته را که توان پیشبرد آنرا دارد انتخاب نماید اما زمانیکه طفلی مسلمان می‌شود او را بی هدف می‌نامند و نا امیدش می‌کنند؟ چرا زمانیکه یک مسیحی و یا یهودی کسی را بقتل میرساند و یا جرمی را مرتکب می‌شود. اصلاً کسی از دینش چیزی نمی‌گوید اما زمانیکه یک مسلمان مرتکب جرمی می‌شود همه تقصیرات را به حساب اسلام مینویسند؟ چرا زمانیکه یک شخص خود را قربانی می‌کند تا جان دیگران را نجات بدهد از او تقدیر می‌گردد اما زمانیکه یک فلسطینی که دست برادرش قطع شده، مادرش لت و کوب شده، خانه اش زیر بلدوزرهای اسرائیلی ویران شده، به مسجدش در مقابل چشمانش هتک حرمت شده، برای نجات فرزند و وطنش از جانش می‌گذرد تروریست خوانده می‌شود؟ چرا؟ بخاطریکه مسلمان است. اگر ارشادات قرآنی، هدایات و دستورات پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) بطور دقیق، همه جانبه، بیطرفانه و منصفانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، به وضاحت تام در خواهیم یافت که دین اسلام دین صلح و دین رحمت بوده که در هیچ زمانی دین تروریست نبوده و نخواهد بود.

عبدالجلیل حق پرست

اشتراک ورزیدن افراد یک کشور در پروسه سری و عادلانه انتخابات بخاطر تعیین دولتمدار (رئیس جمهور) شان از وجیبه های انسانی و اجتماعی هر فرد جامعه بشمار میرود. و هر کس با امیدواری محض بخاطر ترقی و سوق دهی کشورش به ترقی باید تمایل نشان دهد، اغلب اشخاص با انگیزه خاص به انکشاف کشور شان و وحدت اقوام کشور شان می کوشند که همین انگیزه باعث میشود تا بسوی محل های رای دهی بشتابند، مردم غور نیز از انتخابات دور دوم ریاست جمهوری افغانستان به خوبی استقبال نمودند و حتی بخاطر تامین مراکز انتخاباتی با دهشت افکنان درگیر مسلحانه شدند که کلیه این فدا کاری داد از تحکیم صلح و امیدواری به افغانستان رو به توسعه میزنند، سهم گیری گسترده شهروندان غوری نه تنها در پروسه دور دوم انتخابات گسترده بوده بلکه در کلیه انتخابات چه ریاست جمهوری، چه پارلمانی و چه شورای ولایتی گسترده بوده است. اما از تمایل و حمایت صادقانه مردم این سرزمین هیچوقت به دیده نیک نه تقدیر شده است و نه ملاحظه اندکی در آن صورت گرفته است. (با هر که رای دادیم، تا بدست آوردن رای مان از ما خوشنود بودند و بر این فکر اند که می شود همیشه این مردم را به سخن و لطف خوش رام کرد و از ایشان رای گرفت)، حتی کوچک ترین خواسته مردم که به نامزدان دوره مبارزات انتخاباتی انتخابات های قبلی، پیشنهاد شده بود، جامعه تطبیق نپوشیده است. (سرک، بند برق.....!)، آخر چرا به انتخابات اشتراک کنیم؟ آیا وعده های عالی جنابان تعارفاتی اند؟ آیا ما از این کشور نیستیم؟ چرا سرک های قندهار و چند شهر دیگر که با بلندترین کیفیت و هزینه ساخته شده است، بعد از چند روز از طریق انفجار ویران می گردد و دولت خود را در اعمار دوباره اش مصمم میداند؟ چرا وعده های روی برفی میدهید؟ چرا فراموش شده ایم؟ چرا به مشکلات مان گوش شنوا وجود ندارد؟ آیا تحکیم عدالت همین است؟

شاید استدلال دولت وحدت ملی هم در عدم وجود بودجه باشد! قبول می کنیم که افغانستان از خود پولی ندارد که پروژه های پر هزینه را برنامه ریزی و تطبیق نماید (پول شان برای ولایات درجه یک فوق العاده است، اما در اختصاص دهی بودجه، برای ولایات درجه دو و سه معذورند)، در این صورت خواست ما غوری ها از حکومت وحدت ملی تعیین و استخدام غوری ها در کابینه دولت می باشد که این خواست نه نیاز به بودجه دارد و نه نیاز به برنامه ریزی های قبل از وقت. در این گزینه نیز احتمال می رود که استدلال بیاورند اینکه غور همچو افراد مسلکی و کادری آماده به سطوح بالا را ندارد، به جواب شان میتوان گفت که هرگاه تامل پذیرش شایستگی صرف نظر از سمت و درجه ولایتی در نظر گرفته شود، غور پر است از افراد و شخصیت های که به فراموشی سپرده شده اند، برای اینکه از آنها نامی برده نمی شود، دولتی ها از وجود آن اشخاص بی خبرند. ما فقط یک موقع آزمایشی می‌خواهیم و با همان شانس امتحانی برای ملت اثبات خواهیم کرد که توانا هستیم. امید که این درد و داد به نحوی به سمع دولت داران وحدت ملی برسد!

محبوب اکبری

## اگر به یک انسان فرصت پیشرفت داده نشود، لیاقت چندان تاثیری در پیشرفت او نخواهد داشت {ناپلئون بناپارت}



\* Under the supervision of the Editorial Board Articles sent to the monthly, will not be returned to the writers.  
\* The monthly editorial board is free of editing and bringing changes in the articles.  
\* All opinions and published articles except the editorial, are those of the writers and do not necessarily reflect the views of the ASR-E-NAWEEN Monthly.

### ASR-E-NAWEEN Monthly

Owner:	Mahboob Akbari
Chief in Editor:	Gul Rahman Faraz
Mobile:	0779435157/ 0795371635
Email Add:	GulRahman_Faraz@hotmail.com
Redactor:	Ejazulhaq Noori
Mobile:	0799208181/0779208181
Email Add:	Ejazulhaq_noori@yahoo.com
Redactor Deputy:	Zabiullah Anwari
Editors:	Jawad Jawid, Bilal Yosufi, Nazir Ahmadi
Writer's Board:	M. Sharif Farzam, Ramazan Wafi, Shahedullah
Designer:	Gul Rahman Faraz
Reporters:	Abdullah Jahadwal, Roqia Joya, Masoma Ehsani
Photographer:	Abdul Azim Raoufi
Copies#:	1000